

اشاره:

رهایی از وابستگی به ارز حاصل از صادرات نفت و پایه‌گذاری اقتصاد بدون نفت از اهداف عمده‌ای است که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره مدنظر دولت، برنامه‌ریزان، کارآفرینان اقتصادی و مردم بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ضرورت بازسازی اقتصادی و حرکت در جهت اقتصاد بدون نفت، بار دیگر مدنظر مسوولان و برنامه‌ریزان اقتصادی کشور قرار گرفت.

در دو برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صدور کالاهای غیرنفتی مدنظر قرار گرفت. اما در عمل اهداف برنامه‌ها تحقق نیافت. در این گزارش تلاش داریم بخش بازرگانی خارجی در دو برنامه توسعه اقتصادی را مورد ارزیابی قرار دهیم تا بتوانیم به راهبردها و راهکارهایی در زمینه سیاست‌های تجاری دست یابیم.

ارزیابی سیاست‌های

تجاری

برنامه

اول و دوم

توسعه

اقتصادی

کشور

تجارت خارجی در برنامه اول

در نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور پیش‌بینی شد که مجموع درآمد حاصل از صادرات کالاهای غیرنفتی به $17/8$ میلیارد دلار برسد و ارزش صادرات این‌گونه کالاها از $1/7$ میلیارد دلار در سال 68 به $6/3$ میلیارد دلار در سال 72 افزایش پیدا کند.

در عمل مجموع درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی در برنامه اول $11/7$ میلیارد دلار اعلام شد و ارزش صدور این‌گونه کالاها از یک میلیارد دلار در سال 68 به $2/7$ میلیارد دلار در سال 72 رسید. به این ترتیب 65 درصد اهداف برنامه اول در بخش صادرات غیرنفتی تحقق یافت.

در قانون برنامه اول آمده است، اهداف کیفی برنامه در بخش صادرات غیرنفتی عبارتند از: کمک به تقویت بنیه اقتصادی کشور، کمک به افزایش ارزش افزوده کالاهای صادراتی، کمک به نوسازی صنایع کشور و توسعه صادرات صنعتی. عملکرد برنامه نشان می‌دهد که فقط بخشی از این



اهداف دنبال شده و تا حدودی به نتیجه رسیده است. صادرات غیرنفتی در دوره اجرای برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸) نتوانست به طور شایسته به تقویت بنیه اقتصادی کشور کمک کند، زیرا که بخش ناچیزی از ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به اقتصاد کشور بازگشت.

براساس گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، میزان خرید ارز از محل صادرات کالا توسط این بانک در سال ۶۸ به ۵۸۹ میلیون دلار، در سال ۶۹ به ۸۲۶/۵ میلیون دلار، در سال ۷۰ به ۸۰۷/۷ میلیون دلار، در سال ۷۱ به ۵۰۹/۴ میلیون دلار و در سال ۷۲ به ۷۲۴/۴ میلیون دلار رسید. مجموع ارز خریداری شده بانک مرکزی از محل صادرات کالا در این دوره زمانی به ۳ میلیارد و ۴۸۷ میلیون دلار بالغ شد که حدود ۳۰ درصد ارزش صادرات غیرنفتی بود.

اگرچه مشخص نیست چه میزان از ارز حاصله به صورت فرار سرمایه از اقتصاد ملی خارج گردیده و چقدر آن در قالب واردات کالاها بار دیگر به اقتصاد ملی برگشت شده است، با این وجود می‌توان گفت اقتصاد کشور از حدود ۳۰ درصد درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی به طور قطع بهره‌مند گردیده است. (صرف نظر از نحوه تخصیص ارز حاصله از صادرات غیرنفتی).

○ ارزش صادرات کالاهای غیرنفتی از یک میلیارد دلار در سال ۶۸ به ۳/۷ میلیارد دلار در سال ۷۲ و در مجموع به ۱۱/۷ میلیارد دلار در برنامه اول رسید. به این ترتیب ۶۵ درصد اهداف برنامه در این بخش تحقق پیدا کرد.

در زمینه کمک به ارزش افزوده کالاهای صادراتی نیز اهداف برنامه به دقت دنبال نشده است. طبق قانون برنامه اول، قرار بود مجموع ارزش صادرات کالاهای صنعتی در سال‌های ۶۸-۷۲ به ۹ میلیارد دلار برسد، در حالی که ارقام منتشره از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد که ارزش صادرات این کالاها در سال ۶۸ به میزان ۲۶/۹ میلیون دلار، در سال ۶۹ معادل ۲۲/۳ میلیون دلار، در سال ۷۰ به میزان ۶۶۰ میلیون دلار، در سال ۷۱ به میزان ۹۷۰/۹ میلیون دلار و در سال ۷۲ معادل یک میلیارد و ۱۹۱/۷ میلیون دلار بود که مجموع آن ۲ میلیارد و ۸۸۱/۸ میلیون دلار است. این رقم برابر با ۳۲ درصد ارزش صادرات

کالاهای صنعتی مورد هدف برنامه می‌باشد.

در مقابل ارزش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی (شامل فرش، میوه‌های تازه و خشک، پسته و مغز پسته، انواع پوست و چرم، خاویار، روده، کتیرا، زیره، پنجه و دیگر کالاهای سنتی) از ۸۹۴/۴ میلیون دلار در سال ۶۸ به یک میلیارد و ۳۸۱/۴ میلیون دلار در سال ۶۹ و سپس یک میلیارد و ۹۳۷/۴ میلیون دلار در سال ۷۰ افزایش یافت. صدور این‌گونه کالاها در سال ۷۱ به میزان یک میلیارد و ۹۹۵/۶ میلیون دلار و در سال ۷۲ به ۲ میلیارد و ۵۱۶/۱ میلیون دلار بالغ شد. مجموع ارزش صادرات این‌گونه کالاها در سال‌های ۶۸-۷۲ به ۸ میلیارد و ۳۸۱/۹ میلیون دلار رسید که از هدف برنامه به میزان ۷ میلیارد و ۲۲۴ میلیون دلار، ۱۳/۵ درصد بیشتر بود. به عبارت دیگر عملکرد صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی در برنامه اول نشان داد که اهداف مربوط به افزایش ارزش افزوده کالاهای صادراتی و رشد صادرات کالاهای صنعتی پیگیری نشده و فقط آزادسازی تجارت به رشد صادرات این‌گونه کالاها تا حدودی کمک کرده است.

بانک مرکزی در گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۶۹ خود اشاره دارد: «به منظور افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی و کاهش اتکا کشور به درآمد نفت، از اوایل بهمن ماه سال ۶۹ خرید ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به نرخ شناور انجام گرفت. این اقدام به همراه فروش ارز به نرخ شناور توسط سیستم بانکی جهت واریز پیمان ارزی صادرکنندگان موجب رونق صادرات کالاهای غیرنفتی و از بین رفتن قاچاق کالاهای مذکور به میزان قابل توجهی گردید.»

به عبارت دیگر رشد صادرات غیرنفتی در سال‌های اجرای نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی تا حدود زیادی متأثر از سیاست‌های ارزی بانک مرکزی (خرید و فروش ارز به نرخ شناور، لغو پیمان ارزی برای صادرکنندگان و...) بود و با آنچه در اهداف برنامه دنبال می‌شد، مغایرت داشت. در برنامه تلاش برای کاهش نرخ‌های ارز (به سیستم سه‌نرخه) پیش‌بینی شده بود، اما یکسان‌سازی نرخ ارز موردنظر نبود.

در بخش واردات نیز در برنامه اول، اهداف خاص از قبیل تأمین به موقع نیازهای وارداتی کشور در راستای اهداف برنامه، اصلاح ترکیب و ساختار واردات در راستای تحقق اهداف برنامه، بهبود رابطه مبادله تجارت خارجی، اصلاح مقررات عمومی، صادرات و واردات و بهبود روش‌های کنترل و اجرا و نیز تلاش در جهت ایجاد توازن مطلوب‌تر در تراز

ارزش صادرات غیرنفتی کشور است.

بدین ترتیب صادرات غیرنفتی نقش ویژه خود را در تأمین نیازمندی‌های بخش واقعی اقتصاد نشان نداد. برنامه اول اصولاً سیاست جایگزینی واردات را در نظر داشت و تشویق صادرات غیرنفتی را موازی با آن می‌دید. اما تجدیدنظر در این برنامه در اثر افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت سبب شد که کنترل بر واردات و محدودیت آن که اساس سیاست جایگزینی واردات است، به فراموشی سپرده شود. این سیاست با سیاست تشویق صادرات و خودگردان شدن صنایع از نظر نیازهای ارزی، جایگزین شد. اگرچه تشویق صادرات و حمایت از رشد صنایع صادراتی، سیاست تجاری درستی است، لیکن در عمل صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی فراتر از اهداف برنامه بود و در بخش صادرات کالاهای صنعتی فقط ۳۰ درصد اهداف برنامه تحقق یافت. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی درستی در مورد سیاست تشویق صادرات صورت نگرفت و صدور کالاهای صنعتی با ارزش افزوده بیشتر که توان رقابت در بازارهای خارجی کالاهای صنعتی را تقویت کند، آنچنان که می‌بایست رشد نکرد.

از سوی دیگر باز کردن اقتصاد کشور به روی واردات که موجب افزایش بی‌رویه واردات کالاهای مصرفی شد، نه تنها کنترل ارزی را از میان برد و بار تعهدات خارجی را به دلیل استفاده از اعتبارات یوزانس افزایش داد، بلکه درآمدهای ارزی ناشی از صادرات غیرنفتی را به باد داد (به صورت فرار سرمایه از کشور و عدم تخصیص ارز حاصل از صادرات برای واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای موردنظر برنامه اول).

سیاست تک‌نرخ کردن ارز که برای تشویق صادرات کالاهای غیرنفتی مدنظر بود، نیز موجب برهم زدن تعادل در بازار ارز و افزایش ناگهانی قیمت آن (تا سطح بیش از ۷۰۰۰ ریال در اوایل سال ۷۴) در بازار غیرمجاز شد.

○ آزادسازی واردات تحت‌تأثیر درآمدهای نفتی و استفاده از اعتبارات یوزانس، سبب شد که در برنامه اول ۱۱/۶ میلیارد دلار کالاهای مصرفی وارد شود که تقریباً برابر با ارزش صادرات غیرنفتی است.

○ اقتصاد ایران در دوره اجرای نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی از ۳۰ درصد درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی (به‌طور قطعی) برخوردار شد، زیرا بانک مرکزی فقط ۳/۵ میلیارد دلار از ارزش حاصل از صدور کالاهای غیرنفتی را خریداری کرده است.

اما در عمل چنین نشد. آزادسازی واردات سبب شد که کالاهای مصرفی به میزان قابل توجه وارد کشور شود. رشد واردات کشور طی این دوره بیشتر از افزایش درآمدهای حاصل از صادرات نفت (به لحاظ بحران خلیج فارس)، استفاده از اعتبارات یوزانس کوتاه‌مدت و... متأثر گردید. مجموع ارزش واردات در سال ۶۸ به میزان ۱۲/۸ میلیارد دلار، در سال ۶۹ به میزان ۱۸/۷ میلیارد دلار، در سال ۷۰ معادل ۲۵/۵ میلیارد دلار، در سال ۷۱ به میزان ۲۳/۸ میلیارد دلار و در سال ۷۲ حدود ۱۹/۴ میلیارد دلار (بر مبنای آمار بازرگانی خارجی ایران) اعلام شد. مجموع ارزش واردات کشور در برنامه اول بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار بود.

به این ترتیب نسبت درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی به واردات کشور ۱۱/۷ درصد بود. به عبارت دیگر فقط ۱۱/۷ درصد هزینه واردات ایران در برنامه اول از صدور کالاهای غیرنفتی (صرف‌نظر از ارزی تولید این کالاها) تأمین شده است.

بخش قابل‌توجه واردات ایران را در این دوره ارز حاصل از صدور نفت و حدود ۳۰ میلیارد دلار اعتبارات خارجی تأمین کرد و توازن موردنظر در تراز تجارت خارجی تحصیل نشد. در ساختار کالاهای وارداتی نیز با توجه به آزادسازی واردات کالاهای لوکس و غیرضروری به کشور، تعدیل لازم تحقق نیافت.

بنابر گزارش آمار بازرگانی خارجی ایران در سال ۶۸ بیش از ۲/۳ میلیارد دلار و در سال ۶۹ بیش از ۲/۵ میلیارد دلار کالاهای مصرفی وارد کشور شد. در سال ۷۰ این رقم به ۲/۱ میلیارد دلار و در سال ۷۱ به ۲/۳ میلیارد دلار و در سال پایانی برنامه اول به ۲/۴ میلیارد دلار بالغ شد. به عبارت دیگر ۱۱/۶ میلیارد دلار صرف کالاهای مصرفی شد که تقریباً برابر با

تجارت خارجی در برنامه دوم

در دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی کشور، تجارت خارجی با ملاحظاتی مشابه سیاست‌های اتخاذ شده در برنامه اول می‌باشد. با این تفاوت که انباشت تعهدات خارجی و مسایلی که در رابطه با ناتوانی ایران در بازپرداخت تعهدات خارجی از اواخر سال ۷۱ بروز کرد، موجب شد که ارزیابی درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام تجدیدنظر شود و محدودیت‌هایی برای کنترل واردات در جهت ایجاد توان مالی کافی برای بازپرداخت تعهدات زمان‌بندی شده، اعمال گردد.

در برنامه دوم قرار است مجموع ارزش صادرات غیرنفتی به ۲۷/۵ میلیارد دلار برسد. اما تاکنون آمار صادرات غیرنفتی براساس گزارش بانک مرکزی چنین است.

در سال ۷۳ که سال تکمیلی برنامه اول بود، ارزش صادرات غیرنفتی ایران در اثر لغو پیمان‌سپاری ارزی برای صادرکنندگان و افزایش نرخ ارز در بازار غیرمجاز که انگیزه صادرات را تقویت نمود، به ۴/۸ میلیارد دلار رسید. این رقم بالاترین درآمد سالانه حاصل از صادرات غیرنفتی از آغاز اجرای نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی کشور تاکنون است.

○ در سه سال نخست اجرای برنامه دوم حدود ۹/۳ میلیارد دلار از صدور کالاهای غیرنفتی عاید کشور شده است و انتظار نمی‌رود در سال جاری و آینده ارزش این صادرات به ۸ میلیارد دلار برسد. لذا ۶۰ درصد اهداف برنامه دوم در این زمینه تحقق می‌یابد.

در سال ۷۲ ارزش صادرات غیرنفتی به ۳ میلیارد و ۲۵۷ میلیون دلار، در سال ۷۵ به ۳ میلیارد و ۱۲۰ میلیون دلار و در سال ۷۶ به ۲/۹ میلیارد دلار تنزل یافت. به عبارت دیگر در سه سال نخست اجرای برنامه دوم فقط حدود ۹/۳ میلیارد دلار از صدور کالاهای غیرنفتی عاید اقتصاد کشور شده است.

با توجه به آنکه انتظار نمی‌رود در دو سال پایانی اجرای برنامه درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی حتی به ۸ میلیارد دلار برسد (با توجه به سیاست‌های جاری تجارت خارجی)، در این برنامه نیز فقط ۶۰ درصد درآمدهای موردنظر از صدور کالاهای غیرنفتی تحقق پیدا می‌کند.

در بخش واردات نیز کنترل‌های بیشتری معمول گردیده که متأثر از کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی و افت شدید درآمدهای ارزی کشور است.

ارزش واردات ایران از ۱۲ میلیارد و ۷۷۴ میلیون دلار در سال ۷۴ به ۱۴ میلیارد و ۹۸۹ میلیون دلار در سال ۷۵ و سپس به ۱۲ میلیارد دلار در نه‌ماه نخست سال ۷۶ رسید. مجموع واردات کشور در سال گذشته ۱۵ میلیارد دلار برآورد شده است.

به این ترتیب مجموع ارزش واردات سه سال نخست اجرای برنامه دوم اندکی بیش از ۴۲ میلیارد دلار است. چنانچه در سال جاری و آتی واردات در سطح ۱۵ میلیارد دلار (در سال) محدود گردد، مجموع ارزش واردات برنامه دوم به ۷۲ میلیارد دلار می‌رسد که از هدف برنامه کمتر است.

بانک مرکزی در گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۷۵ خود که به تازگی منتشر و توزیع شده، آورده است: در سال ۷۵ سطح مطلوب ذخایر ارزی بین‌المللی کشور همراه با افزایش درآمدهای ارزی و تثبیت بازار ارز، شرایط مساعدی را برای اعمال سیاست‌های مناسب ارزی و بازرگانی در جهت تشویق نسبی صادرات غیرنفتی و تأمین واردات موردنیاز به‌ویژه کالاهای اساسی و سرمایه‌ای فراهم آورد.

این گزارش می‌افزاید: در این سال ارزش کل صادرات



اسنادی مربوط به واردات مواد خام و تجهیزات و ماشین‌آلات موردنیاز بخش صنعت باعث شده است که تولید صنایع با رکود مواجه شود. از سوی دیگر صادرات کالاهای صنعتی در سه‌ماهه نخست سال جاری ۲۵ درصد کمتر از مدت مشابه سال قبل بوده است.

اگرچه دولت در چارچوب برنامه‌ی ساماندهی اقتصادی درصدد تشویق صادرات غیرنفتی و نظم‌بخشی به واردات می‌باشد، اما انتظار نمی‌رود که امسال تحولات ویژه‌ای در سیاست‌ها و عملکرد بخش تجارت خارجی رخ دهد.

راهکارهای پیشنهادی

رشد صادرات غیرنفتی به‌عنوان یک هدف راهبردی می‌بایست مدنظر سیاست‌گزاران، برنامه‌ریزان و فعالان اقتصادی کشور باشد. توسعه و تعمیق فرهنگ صادرات در جامعه از ضروریات است.

از سوی دیگر کالاهای صادراتی غیرنفتی می‌بایست از ارزش افزوده‌ی بیشتری برخوردار گردند، لذا کمک به توسعه‌ی صادرات کالاهای صنعتی و مواد واسطه‌ای معدنی، الزامی است.

در شرایط کنونی تحت‌تأثیر فشارهای تورمی در اقتصاد ایران (از سال ۷۳ به بعد)، بهای تمام‌شده کالاهای صادراتی به‌شدت افزایش یافته، به‌گونه‌ای که قدرت رقابت این کالاها (با رعایت نرخ ارز و اریزنامه‌ای) در بازارهای خارجی تا حدودی از دست رفته است. برخی تولیدکنندگان کالاهای صنعتی اشاره می‌کنند که صدور کالا را با تحمل زیان ناشی از تفاوت قیمت تمام‌شده آنها با قیمت‌های بازار جهانی به انگیزه‌ی کسب ارز ادامه می‌دهند تا بتوانند مشکل تأمین ارز موردنیاز برای واردات مواد خام و تجهیزات موردنیاز را تا حدودی رفع کنند و از تعطیلی واحد تولیدی‌شان جلوگیری به‌عمل آورند. صادرات کالاها با زیان در بلندمدت نمی‌تواند استمرار پیدا کند و لذا

○ تحت فشارهای تورمی در سال‌های اخیر، بهای تمام‌شده کالاهای صادراتی افزایش یافته و قدرت رقابت آنها تحلیل رفته است. حمایت واقعی از صدور کالاهای صنعتی، تشویق‌های ارزی و... ضروری است.

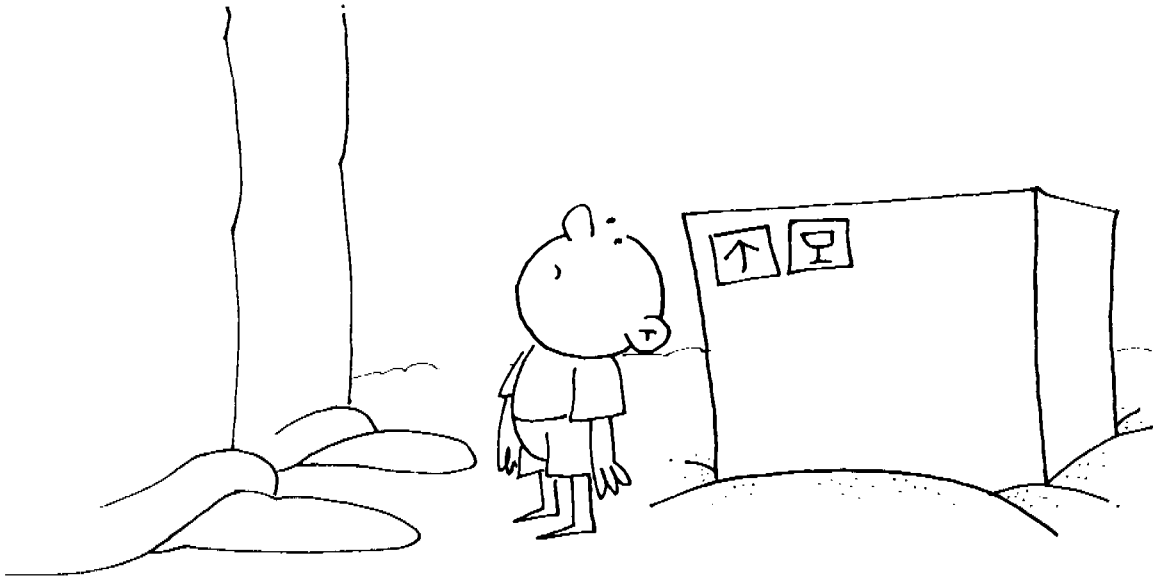
کشور ۲۲ درصد افزایش یافت و از ۱۸/۴ میلیارد دلار در سال ۷۴ به ۲۲/۴ میلیارد دلار در سال ۷۵ رسید. افزایش مذکور عمدتاً ناشی از افزایش صادرات نفتی تحت‌تأثیر افزایش بهای نفت در بازارهای جهانی طی دوره‌ی مذکور می‌باشد. به‌طوری‌که ارزش صادرات نفت و گاز با رشد حدود ۲۷/۶ درصد به ۱۹/۳ میلیارد دلار بالغ شد.

○ دولت در چارچوب برنامه‌ی ساماندهی اقتصادی درصدد تشویق صادرات غیرنفتی و نظم‌بخشی به واردات است. اما انتظار نمی‌رود در سال جاری تحولات سریعی در تجارت خارجی رخ دهد.

سیاست‌های تشویقی که در نیمه‌ی اول سال ۷۵ در مورد صادرات غیرنفتی به اجرا گذاشته شد، موجب کند شدن روند نزولی صادرات غیرنفتی گردید و ارزش آن به ۳/۱ میلیارد دلار رسید. بهترین عاملی که منجر به تثبیت وضعیت صادرات غیرنفتی شد، افزایش صادرات کالاهای صنعتی به ویژه صادرات محصولات پتروشیمی بود.

سیاست‌های تثبیت نرخ ارز صادراتی، الزام به سپردن پیمان ارزی برای صادرات، اجازه‌ی واردات ۲۹ قلم کالا در مقابل صدور کالاهای غیرنفتی، فروش ارز حاصل از صادرات غیرنفتی در بورس به نرخ و اریزنامه‌ای و برخی تسهیلات دیگر، در سال ۷۶ نتوانست روند نزولی صادرات غیرنفتی را متوقف سازد. در این سال ارزش صادرات غیرنفتی ایران به ۲/۹ میلیارد دلار رسید. در همین حال کنترل واردات تحت‌تأثیر کاهش درآمدهای نفتی ادامه داشت و مجموع ارزش واردات کشور ۱۵ میلیارد دلار برآورد شد.

در سال جاری نیز کاهش شدید درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت (به میزان ۲۰ تا ۳۰ درصد نسبت به پیش‌بینی بودجه ۷۷)، کنترل بیشتر بر واردات را موجب شده است. انتظار می‌رود که در سال جاری ارزش واردات در حد سال گذشته (۱۵ میلیارد دلار) محدود گردد. سیاست‌های تجاری و تشویق‌های صادراتی، نمی‌تواند تأثیر چشمگیری در رشد صادرات غیرنفتی به جا گذارد، به طوری که کارشناسان درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی در سال جاری را بیش از ۳/۵ میلیارد دلار پیش‌بینی نمی‌کنند. از سوی دیگر تأخیر در گشایش اعتبارات



مبارزه با فشارهای تورمی برای کاهش قیمت تمام‌شده کالاهای صادراتی و تقویت بنیه رقابت آنها در بازارهای خارجی، بازرگاری در مدیریت واحدهای تولیدی، ایجاد تشکلهای تولیدی و صادراتی و حمایت از آنها برای حضور در بازارهای جهانی، گسترش مناسبات تجاری با دیگر کشورها و... می‌تواند در رونقبخشی به صادرات غیرنفتی مؤثر باشد.

از سوی دیگر در بخش واردات نیز بازرگاری در سیاست‌های اجرایی الزامی است. ایجاد تسهیلات برای ورود اقلام موردنیاز تولید کالاهای صادراتی، جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی، کاهش تشریفات اداری حاکم بر گشایش اعتبارات اسنادی و نیز ترخیص کالاها و... می‌تواند در ساماندهی واردات نقش بسزایی ایفا کند.

اتخاذ یک راهبرد تجاری مبتنی بر توسعه و تشویق صادرات غیرنفتی الزامی است و می‌بایست مدنظر سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان قرار گیرد. در این راستا بهره‌گیری از دانش و تجربه صادرکنندگان در قالب تشکلهای صادراتی و ملحوظ نمودن نظرات آنها در اتخاذ راهبردهای تجاری می‌تواند گره‌گشا باشد.

حمایت واقعی از بخش صادرات صنعتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

○ بازرگاری در سیاست‌های اجرایی واردات به‌ویژه واردات اقلام موردنیاز برای تولید کالاهای صادراتی با ارزش افزوده بیشتر، جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی، کاهش تشریفات اداری حاکم بر گشایش اعتبارات اسنادی و ترخیص کالا و... برای ساماندهی واردات ضروری است.

با وجود آنکه مشکل تثبیت نرخ ارز با برقراری نرخ ارز واریزنامه‌ای (مبادله ارز حاصل از صادرات غیرنفتی در بازار بورس) تا حدودی مرتفع شد. لیکن مقررات حاکم بر نقل و انتقال این ارزها میان صادرکنندگان و واردکنندگان، تأخیر عمدی بانک مرکزی در گشایش اعتبارات اسنادی (حتی با نرخ ارز واریزنامه‌ای) و... خودبه‌خود اثربخشی این سیاست را تا حدودی تخفیف می‌دهد.

ایجاد تسهیلات و تشویق‌های ویژه برای رشد صادرات غیرنفتی به ویژه محصولات صنعتی الزامی است. تخصیص ارز حاصل از صادرات کالاهای صنعتی به واحدهای تولیدکننده این کالاها و کاهش تشریفات اداری حاکم بر گشایش اعتبارات اسنادی مربوط به آن، تعدیل در قیمت‌ها و